

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وپر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۱۸ فبروری ۲۰۱۷

تنظیم و ویرایش: پورتال

اسیر

عنکبوت غم در زاویه های حصار دلم تار میتند و پای اندیشه هایم را در افسانه زمانه های
کهن، اسیر می سازد.

ملامت

دیدار تو مرا از شهر چراغان خیالها به محشر پُر غوغای ملامتها می کشاند.

بی پناه

مهربانیهایش شفافترین دریائی بود، که جزیره تم را در پناهِش داشت. آن گاه که دریا
خشکید، در دوردست خود، بی پناه ماندم.

ابدیتِ غصه ها

برگهای طلایی را پایمال مکن، که صدای شرشر جسم به هم کوبیده اش، بار دگر ملال
تلخ مرا دامن نزند. بگذار با نوازشهای نسیم به برج آرامش بروند. برگها دوباره سبز و
سبزتر برمی گردند و اما قلب من خاکیتز از خاکستر است. برگها دوباره بهار می آورند و
اما روح من در زادگاهش با ابدیت سرد غصه ها می پیوندد.

(ناهید "غزل" غنی زاده)